



کتابخانه سلطنتی ایران
موزه و کتابخانه
جمهوری اسلامی ایران
تهران

کتابخانه سلطنتی ایران

کتابخانه سلطنتی ایران
موزه و کتابخانه
جمهوری اسلامی ایران
تهران

کتابخانه سلطنتی ایران
موزه و کتابخانه
جمهوری اسلامی ایران
تهران

همه نیستد آنچه هستی تویی خرد داده بر تو گوئی در دست زمین را که گاه او خستی زمین ناورد تا گوئی بهار سرشتی با نثاره یکدگر ندانم که چون بود آثارشان ببینی عتق کار تو نیارت نه ای از همه نیازی سر خود برود ناوردین کند اگر باشد و گویند شکست مسلسل کن گویند در مرغ که اندیش نیست دان بر روی نه آفروده نیست تمام شوی با فکدن گس نیست ز پایی	پناه بلندی و پستی تویی چو شد حجت بر خدای دست تویی کاسانرا بر افروختی بنارده سوانا نکوسته بهار ز گرمی و سردی و از خشک و تر همندس بسی جوید از آستان زمن تازه کردن با قوار تو بهر چه آفریدی وستی طراز که چند آنکه اندیشه کرده بلند ز تعظیم تو پیش توست نیست تویی گوهر آهای خاخشخ چنان هستی آن طایق نلوفری نه برکنده تا فرام شوی سری که تو کردد بشدی گوی	ز ما خدمت آید خدایی تراست ز دانش قلم رانده بر نوخاک چراغ هدایت تو بر کرده تو در روی جوهر کشی رنگ را برون زانکه یاری کوی طوستی که به زمان نیارد خرد در شمار دگر خستی با زبا خوردنی ز راه تو اندیشه نی اکبیت جان کردش انجم و آسمان بناشد همین هم تو باشی بجای بمردم تو راستی خاک را هر و کردی اندیشه را پانچ که تاب خرد بر شاد ترا ز کردندی دور در گاه تو	خدا یا جهان پادشاهی تراست تویی برترین دانش آموز ک خرد را تو روشن بصر کرده جوهر تو بخشی دل سنگ را جهانی بدین خوبی آراستی چنان بر کشیدی دستیکار نیاید ز ما جز نظر کردنی حسانی گرین بگردم کمیت چنان آفریدی زمین و آون بنود آفرینش تو بودی خدای کواکب تو برستی افلاک را حصار فلک بر کشیدی بلند خود تا آمد در نیا بد ترا خیال نظر خالی از راه تو
---	---	--	--

کتابخانه سلطنتی ایران
موزه و کتابخانه
جمهوری اسلامی ایران
تهران